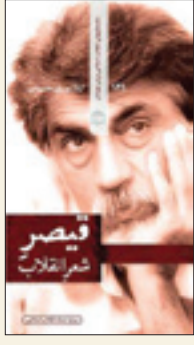


## پیش‌خوان

«قیصر شعر انقلاب» در آیینه‌ها یک نو‌انتشار

### با حرف آخر عشق نام کوچک من آغاز می‌شود

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در عداد کتب پالتویی منتشره از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که تاریخ انقلاب اسلامی را برای جوانان بازی گوید. این دفتر به بازخوانی کارنامه

زنده‌یاد قیصر امین‌پور پرداخته و از سوی لایلا نوری حسینی تألیف شده‌است. تا‌نمای ناشر در توصیف شخصیت این شاعر نامدار معاصر، اشاراتی به این ترتیب دارد: «انقلاب را از آن جهت انقلاب نامیده‌اند که موجب تحول عمیق در همه ساحات اجتماع می‌شود و البته عمیق‌ترین تحولات در حوزه‌های سیاست و فرهنگ صورت می‌گیرد. انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از عمیق‌ترین تأثیرات را بر عرصه سیاست و فرهنگ گذاشت. در حوزه فرهنگ، مسیر جدیدی را پیش‌روی ملت ایران باز کرد، ریزش‌هایی را موجب شد و البته رویش‌هایی را. در این میان قیصر امین‌پور را بحق می‌توان از بارزترین رویش‌های هنر انقلاب نامید. او و همقطاران‌اش از نسلی بودند که فراز و نشیب سال‌های پایانی انقلاب و شور و شیرین سال‌های سخت ابتدای انقلاب و جنگ را با گوشت و پوست خود لمس و با زال‌ل طبع نازک خویش و زبان شعر و هنر، آن را منعکس کردند. امین‌پور را بحق می‌توان قیصر شعر انقلاب نامید، چه اینکه او بر بلندای قله ادب و هنر انقلابی، قامتی ایستاده دارد و خود نیز با تلمیحی که همواره با شعرش آمیخته بود، خود



زنده‌یاد قیصر امین‌پور

را اینگونه معرفی می‌کند: و قاف حرف آخر عشق است، آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود…» سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در معرفی‌نامه‌های دیگر در باب مطالبی که در «قیصر شعر انقلاب» آمده و ترتیب ارائه آنها در این کتاب، چنین نگاه‌اشته است: «کتاب قیصر شعر انقلاب، از سه فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان زندگی و آثار قیصر امین‌پور مطالبی درباره تولد، خانواده، دوران کودکی و تحصیلات قیصر امین‌پور و آثار وی دارد. در این فصل به گوشه‌ای از فعالیت‌های انقلابی او نیز اشاره می‌شود. فصل نخست همچنین اطلاعاتی درباره فعالیت‌های مبارزاتی امین‌پور در دانشگاه تهران و فعالیت‌های او در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ را خواننده می‌دهد. بر اساس سند‌های فصل اول کتاب، قیصر امین‌پور مدتی از روزهای پرتآهتاب انقلاب را در ذوق‌ل سیری کرده و در این شهر در قالب انتشار یک روزنامه زیرزمینی، با رژیم پهلوی مبارزه می‌کرده است. فصل دوم، به بررسی اشعار قیصر امین‌پور می‌پردازد. در این فصل تلاش می‌شود در چهار بخش شعر انقلاب، شعر جنگ، اشعار آیینی و اشعار اجتماعی، گوشه‌ای از ابعاد فکری و اندیشه‌ای قیصر امین‌پور مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد. فصل سوم کتاب به بازتاب شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری و علمی قیصر امین‌پور، در نگاه دیگران اختصاص دارد. در این فصل دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و افراد دیگری چون: مرحوم حمید سبزواری، سیدحسام‌الدین سراج، علی‌رضا افتخاری، موسوی گرمارودی و… درباره قیصر امین‌پور بازخوانی شده است. کتاب قیصر شعر انقلاب به قلم لایلا نوری حسینی و در قالب مجموعه دانستنی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان تألیف شده و از سوی مؤسسه فرهنگی-هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است. این کتاب به شمارگان ۲هزار۷۰۰ نسخه، در ۱۴۴ صفحه به چاپ رسیده است…».

■ **نیما احمدپور**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سزاروژ اعتراض تاریخی امام خمینی به لایحه مصونیت اتباع امریکا در ایران، موسوم به کاپیتولاسیون است. به واقع مرور بر چنین وقایعی است که می‌تواند ملت را به علل تلاش بی‌وقفه امریکا برای بازگشت به دوره پهلوی‌ها واقف سازد.

مقال پسی آمده در صدد است تا به بخشی از زمینه‌ها و پیامدهای این رویداد اشارت بَرد. امید آنکه تاریخ پزوهان انقلاب اسلامی و عوموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

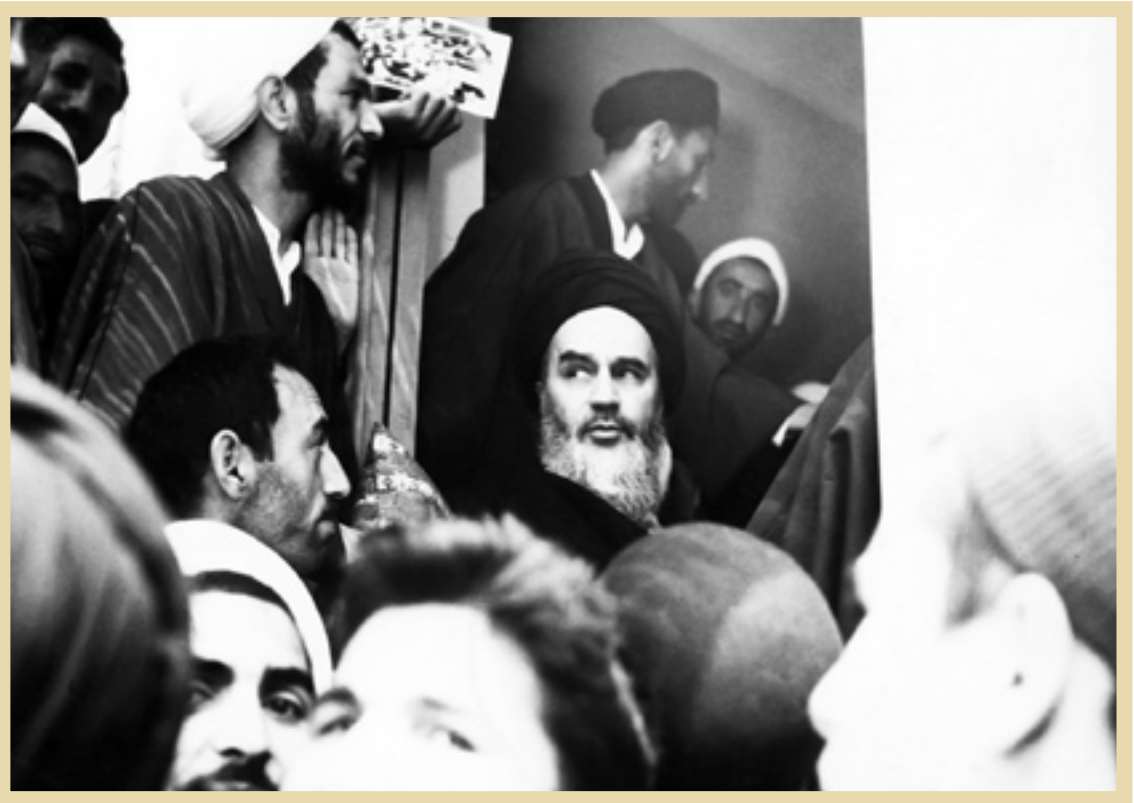
■ ■ ■

■ **قلب من در فشار است**

در شرایطی که رژیم پهلوی پس از آزادی امام خمینی از حبس و حصر در فروردین ۴۳ گمان می‌برد که رهبر نهضت اسلامی را برای همیشه ساکت کرده است، اما وی در صبحگاه ۴ آبان همان سال در منزل شخصی خویش در قم، نطقی آتشین را با عبارات پی‌آمده آغاز کرد: «من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل ایران ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده است. ناراحت هستم، قلبم در فشار است، با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کرده‌اند، عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایپوکیی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم، می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سر خانه‌ها چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت از تش ایران را پایکوب کردند. این چند روز، این تصویب‌نامه را بر نرسند به مجلس شوروا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلای آنجا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند، لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند! دولت با کمال وقاحت، از این امر ننگین طرف‌داری کرد! ملت ایران را از سگ‌های امریکا پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسی سگ امریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند، اگر شاه ایران یک سگ امریکایی را زیر بگیرد، از او بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز امریکایی، شاه ایران را زیر

## عاریخ

تاریخ ۶۰۰۶۸۵۲۳



فروردین ۱۳۴۳،مقام خمینی در دیدار با مردم در منزل شخصی

کاپیتولاسیون پیش‌تر و در دوره رضاخان ملغی اعلام شده بود. از این روی قزاق و فرزندش بارها آن را به محملی برای تفاخر تبدیل کرده بودند. با این همه و صرف نظر از اینکه مصونیت قضایی بیگانگان همچنان وجود داشت یا نداشت، پهلوی اول برای و جاهت یابی در بدو سلطنت و رهایی نسبی از عناوینی چون دست‌نشانده و مزدور به چنین اقدامی مبادرت کرد

جدی نگرفتند، ولی به‌رحال از نظر قانونی و به شکل رسمی کاپیتولاسیون لغو شد. بیگانگان از این دوره به بعد، با نفوذ در دستگاه‌های حکومتی و با موافقت سران کشور، هر کاری که دلشان می‌خواست می‌کردند و برای خود حد و مرزی قائل نبودند. در این دوره هم حتی یک امریکایی با اروپایی به اتهام اخلال در امور کشور، سوءاستفاده مالی و اجرایی، جاسوسی، خیانت در امانت و دهها جرم دیگری که در ایران مرتکب شدند، بازداشت و محاکمه نشد! در سال‌های آخر رژیم پهلوی که اعتراضات مردمی بالا گرفت، رژیم به‌ناچار عده‌ای از امریکایی‌ها و اروپایی‌های معتاد و قاچاقچی و لوگرد را به شکل موقت بازداشت کرد. بنابراین قانون کاپیتولاسیون عملاً و به‌رغم لغو قانونی در ایران اجرا می‌شد. واقعیت این است که این قانون هیچ‌گاه تا پیروزی انقلاب، عملاً لغو نشد و عوامل بیگانه در تمام ار کان مملکتی و حکومتی نفوذ داشتند. کسانی که این حقیقت آشکار را انکار می‌کنند، یا قصد توجیه خیانت‌های پهلوی‌ها را دارند، باز تاریخ معاصر بی‌خبرند…».

■ **شما خیلی زود نخست‌وزیر خواهید شد**
افراق نیست اگر ادعا کنیم که حسنعلی منصور، برای جامه عمل پوشاندن به مصوباتی که کاپیتولاسیون به نخست‌وزیری رسید، این مسئله‌ای بود که امریکایی‌ها هم به شاه و هم به منصور گوشزد کرده بودند. افکار عمومی نیز تصویب این لایحه را از چشم منصور می‌دید که البته با حمایت‌های پهلوی دوم به عامل اجرای سیاست‌های امریکا در ایران مبدل شده است. شاهد توحیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران این مقوله را اینگونه به شرح نشسته است:

«شاه پس از بازگشت از امریکا، علی‌امینی را – که با وی دچار اختلاف نیز شده بود- از سمت نخست‌وزیری برکنار کرد و سکان این پست را به یار دیرینه‌اش امیر اسدالله علم سپرد. از همان ابتدا بر همگان آشکار بود که علم شخصی نیست که برای مدت زیاد در این پست باقی بماند و در واقع وی نقش دوران گذار را بازی خواهد نمود. در همین زمره این دولت بود که لایحه کاپولاسیون از سوی دولت اسدالله علم تنظیم و به مجلس سنا ارسال شد، ولی امکان تصویب این لایحه در دوران صدارت وی وجود نداشت. به همین دلیل نخست‌وزیری اندک‌تر از دو سال دوام داشت و منصور با هدف اجرای برنامه‌های امریکا در ایران در همان روزهای نخست صدارت، توانست با دفاع جانانه از این لایحه در مجلس سنا، موجبات تصویب آن را فراهم کند. پیش از روی کار آمدن منصور به عنوان نخست‌وزیر، وی در دیداری با جولیوس هولمز سفیر امریکا در ایران رسماً ادعا کرد خیلی زود به عنوان نخست‌وزیر ایران منصوب خواهد شد. این ارتباط منصور با امریکا به حدی بود که وی پیش از آنکه برنامه‌ها و اعضای کابینه خود را به شاه معرفی کند، در یکی از رفت و آمدهای خود به سفارت امریکا این اطلاعات را در اختیار نخست‌وزیری آن کشور قرار می‌دهد. سفارت امریکا در گزارشی آورده است: از سویی حسنعلی منصور و تیمم او منتظر روزی‌اند که عنوان علم دولت را به کف خواهند گرفت و از سوی دیگر، ممکن است کهان نخست‌وزیری است و ظاهر آن در این حالت رنج می‌برد. اوضاع به نمایش باسمه‌ای و غیر حرفه‌ای می‌ماند که در آن نسکوت‌های بی‌جا فرآیند و همه منتظرند تا نوبت ورودشان به صحنه فرا برسد. نخست‌وزیری می‌دهد که همه کارهای مهم دولت معوق مانده و تصمیمات به آینده موکل شده است… همزمان با روی کار آمدن دولت منصور، امریکا بازی خود را برای تصویب هرچه سریع‌تر کاپیتولاسیون آغاز کرد. سفرای این کشور در ملاقات‌هایی که با شاه داشتند، اعلام می‌کردند که چنانچه خواستار اصلاحات عمیق در ایران است، باید شرایط را برای مستشاران امریکایی در ایران سفارت گمانید و تصویب این لایحه، یکی از دغدغه‌های مستشاران امریکایی است. در هر صورت، شاه پس از موافقت خود با تصویب این لایحه، اختیار کامل به منصور داد تا بتواند مجلس را متقاعد سازد. عباس میانداد مستبدان رفت. لایحه مصونیت اتباع امریکایی در ایران نخست از سوی دولت امیراسدالله علم در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۲ش به تصویب رسید و در ۲۵ دی‌ماه آن سال، به مجلس سنا برده شد و در ۳ مردادماه ۱۳۴۳ش، به تصویب مجلس سنا رسید. در ۲۱

■ **کاپیتولاسیون، باج شاه به امریکا پس از ۲۸ مرداد**

حکومت‌های کودتایی و فاقد پایگاه مردمی، لا‌جرم به کسب حمایت بیگانگان روی می‌آورند. محمدرضا پهلوی در بی‌کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، راهی جز برقرار دادن به امریکا به عنوان کارساز بازگشت وی به سلطنت نداشت. امریکایی‌ها نیز به شکل متقابل، برای حمایت خود بهایی کاپیتولاسیون اتفاقا داشتند و فرصت مناسبی برای رضاشاه فراهم آمده بود تا با عملی ظاهری خود را محبوب آنان سازد. پس از کش‌وقوس‌های فراوان، هدایت در جلسه ۲۴۱ مجلس ششم، خیر‌الغای کاپیتولاسیون را اعلام کرد. اگرچه نمایندگان مجلس الغای کاپیتولاسیون را یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت می‌دانستند که کمک بزرگی به حیات سیاسی مملکت کرده است، اما نکته تناقض‌آمیز آن است که در این دوره آلمان به‌واسطه تمایل رضاشاه، به نیرویی عمده در عرصه سیاست ایران تبدیل می‌شود و در عمل آن ملی‌گراییی که با خواست جامعه یکی باشد، به چشم نمی‌خورد. لغو کاپیتولاسیون در ایران، بی‌ارتباط با اصلاحات غرب‌گرایانه رضاشاه نبود. او هم‌زمان تلاش می‌کرد تا با کاهش قدرت مذهب و روحانیت در جامعه، روشنفکران ملی‌گرا و سکولار را با خود همراه سازد. از این‌رو پس از به قدرت رسیدن، با اتکا به روشنفکران، نظامیان و عنصر بالای دیوانی –که در قدرت قرار گرفته بودند- به‌تدریج در راستای تضعیف مذهب و روحانیت گام برداشت. امری که یکی از ارزش‌های اساسی برنامه‌ریزان تجددگرا بود تا ایران به‌غرب به‌عنوان الگوی اصلاحات رضاشاه نزدیک شده و هم‌زمان عناصر مذهبی در عرصه قضایی ایران کم‌رنگ شوند…».

■ **در دوره رضاخان و به‌رغم الغای کاپیتولاسیون این قانون همچنان اجرا می‌شد**
همانگونه که در بخش پیشین اشارت رفت، الغای کاپیتولاسیون در دوره رضاخان، از سر جلب توجه عناصر و محافل ملی و زدودن انگ وابستگی انجام گرفت. با این همه کسی به یاد نمی‌آورد که در دوره حاکمیت قزاق، فردی از اتباع بیگانه که در ایران دستی‌باز داشتند، به دلیل رفتارهای خود مورد پیگرد و مجازات قرار گرفته باشد. دکتر جواد منصور، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این فقره معتقد است: «در سال ۱۳۰۶، سرانجام مجلس شورای ملی با مقاومت و بافشاری بزرگانی چون شهید آیت‌الله مدرس و تغییر شرایط بین‌المللی، لغو کاپیتولاسیون را تصویب و به تمام طرف‌های قرار اعلام کرد ظرف یک سال تکلیف خود را معلوم کنند و با شرایط جدید وفق یابند. هر چند دولت‌های خارجی این قانون را

این روند بود. در روند اصلاحات و نوسازی سیستم حقوقی و قضایی ایران، فرصت مناسبی برای رضاشاه فراهم آمد تا با عملی ظاهری (لغو کاپیتولاسیون، احساسات ملی‌گرایان را تحت تأثیر قرار دهد. در حقیقت ملی‌گرایانی در جامعه بودند که نسبت به کاپیتولاسیون اتفاقا داشتند و فرصت مناسبی برای رضاشاه فراهم آمده بود تا با عملی ظاهری خود را محبوب آنان سازد. پس از کش‌وقوس‌های فراوان، هدایت در جلسه ۲۴۱ مجلس ششم، خیر‌الغای کاپیتولاسیون را اعلام کرد. اگرچه نمایندگان مجلس الغای کاپیتولاسیون را یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت می‌دانستند که کمک بزرگی به حیات سیاسی مملکت کرده است، اما نکته تناقض‌آمیز آن است که در این دوره آلمان به‌واسطه تمایل رضاشاه، به نیرویی عمده در عرصه سیاست ایران تبدیل می‌شود و در عمل آن ملی‌گراییی که با خواست جامعه یکی باشد، به چشم نمی‌خورد. لغو کاپیتولاسیون در ایران، بی‌ارتباط با اصلاحات غرب‌گرایانه رضاشاه نبود. او هم‌زمان تلاش می‌کرد تا با کاهش قدرت مذهب و روحانیت در جامعه، روشنفکران ملی‌گرا و سکولار را با خود همراه سازد. از این‌رو پس از به قدرت رسیدن، با اتکا به روشنفکران، نظامیان و عنصر بالای دیوانی –که در قدرت قرار گرفته بودند- به‌تدریج در راستای تضعیف مذهب و روحانیت گام برداشت. امری که یکی از ارزش‌های اساسی برنامه‌ریزان تجددگرا بود تا ایران به‌غرب به‌عنوان الگوی اصلاحات رضاشاه نزدیک شده و هم‌زمان عناصر مذهبی در عرصه قضایی ایران کم‌رنگ شوند…».

■ **رضاخان، لغو کاپیتولاسیون و تلاش برای کسب وجاهت**

کاپیتولاسیون پیش‌تر و در دوره رضاخان، ملغی اعلام شده بود. از این روی قزاق و فرزندش، بارها آن را محملی برای تفاخر کرده بودند. با این همه و صرف نظر از اینکه کاپیتولاسیون همچنان وجود داشت یا نداشت، این نکته حائز اهمیت است که پهلوی اول برای وجاهت‌یابی در بدو سلطنت و رهایی نسبی از عناوینی چون دست‌نشانده و مزدور، به چنین اقدامی دست زد. رضا سرحدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در تحلیل این موضوع آورده است:

«رضاخان پس از تبدیل شدن به رضاشاه، تلاش‌های عمده خود را برای از بین بردن عنوان دولت کودتایی یا دولت دست‌نشانده آغاز کرد. لغو کاپیتولاسیون، عدلیه گذشته بود، از طریق سفارت‌نخانه‌های ایران به دولت دست‌نشانده آغاز کرد. لغو کاپیتولاسیون، عمودی بود که در زمان وزارت علی اکبر داوراتفاق افتاد. داور در ۲۷ اردیبهشت که چند روزی از افتتاح عدلیه گذشته بود، از طریق سفارت‌نخانه‌های ایران به دول انگلیس، آلمان، ایتالیا، بلژیک، هلند، سوئیس و اسپانیا اعلام کرد دولت ایران قضاوت کنسول‌ها را که در حقیقت مزایایی برای اتباع خارجی در ایران است، لغو کرده است و دولت ایران عهودی را که محتوی حقوق ممتازه است، فسخ اعلام می‌کند. هدف از نوسازی قضایی که لغو کاپیتولاسیون را نیز به همراه داشت، هم‌زمان تضعیف قدرت روحانیت و تأکید بر این نکته بود که ایران از نظر سیستم قضایی فاصله خود را با جوامع غربی به‌عنوان الگو کاهش داده است. از سوی دیگر کاپیتولاسیون صورت خوشی در ایران نداشت و تمسک خارچیان به عدم وجود یک سیستم قضایی و قدرت فائق، همیشه باعث استمرار



حسنعلی منصور در جمع عده‌ای از اظران کابین

■ **حکومت‌های کودتایی و فاقد پایگاه مردمی، لا‌جرم به کسب حمایت بیگانگان روی می‌آورند.**

■ **محمدرضا پهلوی در بی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، راهی**

■ **جز باج دادن به امریکا به عنوان کارساز بازگشت خویش به سلطنت نداشت.**

■ **امریکایی‌ها نیز متقابلاً بهایی می‌خواستند که زامداری چهره‌هایی چون حسنعلی منصور و احیای دوباره**

■ **کاپیتولاسیون در زمره آنهاست**

## ۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۸۸۰

تصویب شد، تکمله قرارداد کنوانسیون وین بود. آن قرارداد در فروردین ۱۳۴۰، در شهر وین (باینتخت اتریش) به‌امضای احمد متین‌دفتری نماینده ایران در وین رسیده بود، اما آنچه موجب اعتراض‌های شدید شد، الحاقیه قرارداد وین بود که بر مبنای آن تمامی مستشاران امریکایی در ایران را مشمول مزایا و مصونیت‌های سیاسی و قضایی می‌کرد. تمامی مستشاران امریکایی عبارت بودند از: شاعرین در بخش‌های مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و خدماتی و همچنین تمامی وابستگان این مستشاران. در مورد عبارت وابستگان در این قانون، احمد هراتی می‌نویسد: خانواده‌های این مستشاران به همراه اتباعی هستند که در رابطه با فعالیت مورد نظر با آنها همکاری می‌کنند و نیز اتباعی که جهت پیشرفت امور، حضور آنها در کشور الزامی است… مستشاران امریکایی، ظاهراً با هدف آموزش نیروهای ایرانی در عرصه‌های مختلفی چون امور نظامی وارد ایران شده بودند، اما هدف اصلی آنها تأمین منافع ایالات متحده بود. مستشاران نظامی که جهت آموزش نیروهای ارتش ایران آمده بودند، از کیفیت پایین برخوردار بودند و رفتارهای ناشایست نیز داشتند. با انتشار خبر تصویب لایحه کاپیتولاسیون مردم احساس کردند که خلوت‌خانه و حیثیت‌شان در گرو امریکایی‌هاست…».

■ **شما خیلی زود نخست‌وزیر خواهید شد**
افراق نیست اگر ادعا کنیم که حسنعلی منصور، برای جامه عمل پوشاندن به مصوباتی که کاپیتولاسیون به نخست‌وزیری رسید، این مسئله‌ای بود که امریکایی‌ها هم به شاه و هم به منصور گوشزد کرده بودند. افکار عمومی نیز تصویب این لایحه را از چشم منصور می‌دید که البته با حمایت‌های پهلوی دوم به عامل اجرای سیاست‌های امریکا در ایران مبدل شده است. شاهد توحیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران این مقوله را اینگونه به شرح نشسته است:

«شاه پس از بازگشت از امریکا، علی‌امینی را – که با وی دچار اختلاف نیز شده بود- از سمت نخست‌وزیری برکنار کرد و سکان این پست را به یار دیرینه‌اش امیر اسدالله علم سپرد. از همان ابتدا بر همگان آشکار بود که علم شخصی نیست که برای مدت زیاد در این پست باقی بماند و در واقع وی نقش دوران گذار را بازی خواهد نمود. در همین زمره این دولت بود که لایحه کاپولاسیون از سوی دولت اسدالله علم تنظیم و به مجلس سنا ارسال شد، ولی امکان تصویب این لایحه در دوران صدارت وی وجود نداشت. به همین دلیل نخست‌وزیری اندک‌تر از دو سال دوام داشت و منصور با هدف اجرای برنامه‌های امریکا در ایران در همان روزهای نخست صدارت، توانست با دفاع جانانه از این لایحه در مجلس سنا، موجبات تصویب آن را فراهم کند. پیش از روی کار آمدن منصور به عنوان نخست‌وزیر، وی در دیداری با جولیوس هولمز سفیر امریکا در ایران رسماً ادعا کرد خیلی زود به عنوان نخست‌وزیر ایران منصوب خواهد شد. این ارتباط منصور با امریکا به حدی بود که وی پیش از آنکه برنامه‌ها و اعضای کابینه خود را به شاه معرفی کند، در یکی از رفت و آمدهای خود به سفارت امریکا این اطلاعات را در اختیار نخست‌وزیری آن کشور قرار می‌دهد. سفارت امریکا در گزارشی آورده است: از سویی حسنعلی منصور و تیمم او منتظر روزی‌اند که عنوان علم دولت را به کف خواهند گرفت و از سوی دیگر، ممکن است کهان نخست‌وزیری است و ظاهر آن در این حالت رنج می‌برد. اوضاع به نمایش باسمه‌ای و غیر حرفه‌ای می‌ماند که در آن نسکوت‌های بی‌جا فرآیند و همه منتظرند تا نوبت ورودشان به صحنه فرا برسد. نخست‌وزیری می‌دهد که همه کارهای مهم دولت معوق مانده و تصمیمات به آینده موکل شده است… همزمان با روی کار آمدن دولت منصور، امریکا بازی خود را برای تصویب هرچه سریع‌تر کاپیتولاسیون آغاز کرد. سفرای این کشور در ملاقات‌هایی که با شاه داشتند، اعلام می‌کردند که چنانچه خواستار اصلاحات عمیق در ایران است، باید شرایط را برای مستشاران امریکایی در ایران سفارت گمانید و تصویب این لایحه، یکی از دغدغه‌های مستشاران امریکایی است. در هر صورت، شاه پس از موافقت خود با تصویب این لایحه، اختیار کامل به منصور داد تا بتواند مجلس را متقاعد سازد. عباس میانداد مستبدان رفت. لایحه مصونیت اتباع امریکایی در ایران نخست از سوی دولت امیراسدالله علم در ۱۳ مهرماه ۱۳۴۲ش به تصویب رسید و در ۲۵ دی‌ماه آن سال، به مجلس سنا برده شد و در ۳ مردادماه ۱۳۴۳ش، به تصویب مجلس سنا رسید. در ۲۱ مهرماه سال ۱۳۴۳ش مجلس شورای ملی نیز آن را تصویب کرد تا به صورت قانون درآید و همه خود را ملزم به رعایت آن بدانند…».

■ **چشم اسفندیاری با عنوان «مصونیت مستشاران نظامی و وابستگان»**

آنچه کاپیتولاسیون سال ۴۳ را سابقه آن متمایز می‌کرد، اعطای مصونیت به مستشاران نظامی امریکا و وابستگان آنان بود، با تمامی بار مفهومی که در معنای کلمه «وابستگان» وجود دارد این امر، موجب خشم مضاعف مخالفان و منتقدان شد. سیدمرتضی حسینی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در تبیین این مسئله می‌نویسد:

«حق قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون در ۳ مرداد ۱۳۴۳ در مجلس سنا و در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس دوره بیست‌ویکم شورای ملی به تصویب رسید و به موجب آن، مستشاران نظامی و اعضای کادر فنی و تشکیلاتی امریکا از مصونیت قضایی برخوردار شدند. آنچه در مجلس